

## دانشگاه و تاریخ - آخرین قسمت

از شماره ۲۸ یاد صفحه‌ای را با عنوان دانشگاه و تاریخ گشودیم، با این انگیزه که به نوبه‌ی خود در راه بهره‌گیری بیشتر از نیروی جوان دانشگاهی گامی برداشته باشیم و به این امید که با برداشتن این گام در جهت پیوند نظام تحقیقاتی و دانشگاهی کشور - که در حال حاضر از یکدیگر گسسته‌اند - آغازگر حرکتی باشیم.

در شماره ۲۸، فهرستی از پایان‌نامه‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه تهران - پس از انقلاب - در ارتباط با موضوع تاریخ ارائه شد و در شماره‌های ۲۹ و ۳۰ مروری داشتیم بر پایان‌نامه‌های دانشگاه تهران و دانشگاه ملی (شهید بهشتی) پیش از انقلاب. با این تصمیم که در این شماره نخست به ارائه فهرستی توصیفی و سپس جمع‌بندی و نتیجه‌گیری بپردازیم. اما پس از انتشار آن فهرست‌ها چنین به نظر رسید که در ارتباط با هدف و موضوع این مقاله، نیازی به ارائه فهرست توصیفی نیست، چرا که با نگاهی گذرا به سهولت نتیجه‌گیری خواهد شد. که:

(۱) شمار زیادی از آنچه با عنوان رساله در این فهرست مطرح است، مقاله‌ای بیش نیست.

۲) به هیچ روی در مجموعه این پایان نامه‌ها، رساله‌ها یا مقاله‌ها، انسجامی به چشم نمی‌آید.

۳) در تدوین این همه با هر نام، نیازهای جامعه و اولویت‌ها چندان مطرح نبوده است.

۴) از همه مهمتر این که اصولاً به فلسفه رساله‌نویسی توجه جدی نشده است. در نگاه نگارنده این سطور، دست‌یابی به نتیجه‌گیری‌های بالا روشن‌تر از آن است که نیازی به توضیح داشته باشد و هرگاه اندیشمندی را اندیشه‌ای جز از این باشد همکاری وی در هر چه روشن‌تر شدن موضوع - به هر ترتیب که خود مصلحت بداند - موجب امتنان است و این صفحه یاد - بی‌هیچ محدودیت - برای منعکس ساختن هر نظر و نظریه‌ای همیشه باز خواهد بود.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اینک با توجه به آنچه گذشت ناگزیر باید پذیرفت که: آنچه را که ما به عنوان دانشگاه به آن دل خوش داریم - حداقل در ارتباط با اکثر رشته‌های علوم انسانی - بیش از مدرسه نیست و حتی نمی‌توان آن را مدرسه عالی نامید و رساله‌هایی که از آن فراچنگ می‌آوریم - چون نیک بنگریم - فراتر از همان انشاء‌های مدرسه‌ای نیست، که رفته‌رفته به گونه‌ای برچیدن بی‌سروصدای بساط آن آغاز شده است. در مثل در رشته تاریخ دانشگاه اصفهان تاچندی پیش نوشتن پایان‌نامه کارشناسی در سطح لیسانس متداول بوده است ولی اخیراً به کلی تعطیل شده است.

### توضیح و اوضاحت

پیش از آن که دلیل وضع موجود را ریشه‌یابی کنیم، فرصت مناسبی است که با اشاره به تفاوت مدرسه و دانشگاه چند سطری نگاشته شود هر چند که بسا توضیح و اوضاحت باشد: مدرسه محیطی را اصطلاح می‌توان کرد که موضوع حضور در آن پشت سر گذاشتن آموزش ابتدائی و متوسطه است و آمادگی برای حضور در محیط آموزش عالی. باید انتظار داشت که دانش‌آموز در مدرسه به بلوغ فکری و فرهنگی فراخور برسد و با تمرین‌ها و ورزش‌های ذهنی و فکری، آماده اجتهاد شود. در محیط دانشگاه باید دانشجوی پژوهش را آغاز کند و در آن شرایط مناسب برای تراوش اندیشه‌ها فراهم باشد. نشان موفقیت دانشجوی دانشگاه، اندیشه‌نوی است که به عنوان رساله و پایان‌نامه فراهم می‌شود، رساله‌ای که می‌بایستی پاسخگوی نیاز تحقیقاتی جامعه باشد. و چه نیکو است که دانشجوی پیش از

تدوین چنین رساله‌ای با تدوین پایان‌نامه کارشناسی پیچ و خم راه پژوهش را - حداقل با تتبعی با برنامه - تجربه کرده باشد، تا اندیشه نوی را که پس از آن به جامعه خود عرضه می‌کند، هر چه پخته و پخته‌تر باشد. آری، هر رساله و پایان‌نامه باید حل مسأله و پاسخ نیازی را عهده‌دار باشد و هر نسل می‌بایستی یا انبوه چنین رساله‌هایی توضیح المسائلی را برای جامعه خود فراهم کند و تنها در این صورت پویایی و بالندگی جامعه تضمین می‌شود. قلم اینجا رسید سر بشکست

رخصت می‌خواهم که در مقایسه وضع مطلوب دانشگاه - که با اشاره‌ای گذرا از آن گذشتم - وضع تأسف‌آور موجود هیچ ننویسم و به تکرار همین یادآوری بسنده کنم که در حقیقت ما دانشگاه نداریم، مدرسه را - در سطحی برتر - دانشگاه نامیده‌ایم و بدان دل خوش کرده‌ایم.

بی‌یادآوری نیز روشن است که نمی‌توان جمهوری اسلامی را به خاطر این نابسامانی سرزنش کرد، ولی نباید فراموش کرد که تحول دانشگاه از آرمانهای انقلاب است.

## سهل و ممتنع

در باور نگارنده - که بسا بسی خوش‌باور باشد - تحول دانشگاه - حداقل در ارتباط با تاریخ - از یکسو به سادگی امکان‌پذیر است، و از سوی دیگر محال عادی می‌نماید. به سادگی شدنی است، اگر تصمیمات مربوط به آن با مسایل روزمره خلط نشود، و تقریباً نشدنی است، اگر مسؤلانی که درگیر هزاران مسأله روز دانشگاه‌اند بر مباشرت در این امر اصرار داشته باشند.

نگارنده این سطور را در این زمینه تجربه‌ای تلخ است که اگر بیم پاره‌ای سوء تفاهم‌های زیان‌آور نمی‌رفت و حمل به فساد نمی‌شد، قلمی کردن آن در ارتباط با این بحث بسیار سودمند بود، اما در جو کنونی ناگزیر می‌بایستی از اینگونه سودهای نقد چشم پوشید و به اندوختن آن برای نسل‌های آینده دل خوش داشت.

به هر حال، با تکیه بر هشت سال تجربه اداره بنیاد تاریخ بی‌هیچ تردید یادآور می‌شوم که:

۱) در پیوند این بنیاد و موارد مشابه آن با رشته مربوط در دانشگاه می‌توان از امکانات موجود بهره‌برداری بهتری کرد و حداقل اندیشه و قلم رساله‌نویسان را با نیاز زمان همسو و مجموعه آن را منسجم ساخت.

۲) در این صورت پایان‌نامه‌های کارشناسی - حتی اگر در حد يك مقاله خوب باشند -

سودمند و بسا از پایان نامه‌های کارشناسی ارشد کنونی سودمندتر باشند.

۳) مشکل اساسی تحقیق را برای پژوهشگران کشور و دانشجویان - که هر يك می‌توانند يك عنصر پژوهشی سودمند به‌شمار آیند- باید با جدی‌گرفتن اصلاح وضع تتبع و اطلاع‌رسانی حل کنیم.

۴) اگر چنین کنیم، هر دانشجوی بااستعداد چونان سلولی فعال از مغز متفکر جامعه به‌شمار می‌آید و در آن صورت پیکر و مغز جامعه را تناسبی خردپذیر خواهد بود و استعداد پژوهشی نسل جوان به شکوفایی فراخور خواهد رسید.

۵) و نیز اگر چنین کنیم، مؤسسات پژوهشی کشور با مشکل نبود و کمبود پژوهشگر کلنجار نخواهد رفت، و بار سنگین پژوهش را - که در حال حاضر بی‌تعارف زمین مانده است- گرده پهن و توانای نسل جوان پذیرا خواهد بود.

۶) در این صورت، نسل جوان روزنه‌امیدی به آینده می‌یابد و به نومی‌دی و بوجی و بی‌آمدهای آن دچار نمی‌شود.

۷) اینهمه تنها و تنها آن‌گاه شدنی است که مسوولیت آن از مسوولیت‌های روزمره جدا شود.

## خواب آشفته

بدین سان می‌رسیم به پایان رؤیاهای شیرین و یا خواب آشفته یادآوران برای دانشگاه و مؤسسات پژوهشی کشور. امید که این رؤیاهای در دومین دوران ریاست جمهوری جناب آقای هاشمی رفسنجانی، تعبیری نیکو باشد.

جای امیدواری است که باتوجه به تصمیمات شورای انقلاب فرهنگی در سیصدوهمین جلسه خود و دستور تشکیل کمیسیون ویژه جهت بررسی مسایل تاریخ و تاریخنگاری از سوی ریاست جمهوری، در آینده‌ای نه‌چندان دور شاهد دگرگونی‌هایی مثبت باشیم. مسوولیتی که در این زمینه به یادآوران محول شد، فراهم کردن موضوعات پژوهش است در مورد تاریخ انقلاب که بی‌درنگ با تلاشی سخت فراهم شد؛ و فراتر از توصیه‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی، طرحی آماده شده که بیش از ۳۰۰ موضوع را جهت پژوهش و ۲۰۰۰ موضوع را جهت تتبع فراگیر است و در همین شماره و در ادامه بحث دانشگاه و تاریخ متن آن را از نگاه می‌گذرانید.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی